

بررسی و نقد کتاب «الروایة العربیة»

علیرضا کاهه*

چکیده

درک چگونگی شکل‌گیری و شناخت مراحل پیشرفت ادبیات داستانی عربی و عوامل موثر بر حرکت آن، نیازمند پژوهش‌های دقیق و فراگیری است، زیرا وسعت جغرافیایی و تاریخی و موضوعی آن، امکان تحقق این امر را دشوار ساخته است. به همین دلیل هر یک از کتابهای گوناگونی که تاکنون پیرامون این موضوع به رشته تحریر درآمده، به نوبه خود پاسخگوی بخشی از نیاز محققان می‌باشد. در این میان لازم است به رویکردهای نقدی مختلف در تحلیل پژوهشگران نیز اشاره کرد، چرا که هر یک در تحلیل‌های خود بدنبال تطبیق رویکرد مورد نظر خود بوده‌اند. ارزیابی کتاب «الروایة العربیة» نوشته راجر آلن نشان می‌دهد که نویسنده در تدوین کتاب از رویکرد تاریخی - نقدی بهره برده است، ابتدا اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورهای عربی در قرن بیستم مورد بررسی قرار گرفته سپس سعی شده با ارائه نمونه‌های داستانی خوانش این متون از اوضاع تبیین گردد. چالشی که کتاب با آن مواجه است عدم پیروی از روشی منظم در تحلیل متون است، امری که سبب شده این کتاب تنها پاسخگوی بخشی از نیاز محققان حوزه رمان عربی باشد و نتوان آن را به عنوان مرجعی کامل معرفی نمود.

کلید واژه‌ها: راجر آلن، الروایة العربیة، ساختار، محتوا.

۱. مقدمه

در دوره‌های مختلف و همزمان با تغییر رویکردهای فکری و تحولات مکاتب ادبی، نوع نگاه به رمان و به تبع آن اشکال و اهدافش تغییر یافته است. این نوع ادبی به لحاظ ارتباط موضوعاتش با جامعه و انسان و نیز انعکاس مسائل مختلف، توانسته است در دهه‌های اخیر جایگاه فوق العاده‌ای بدست آورد. انتشار وسیع این نوع ادبی و تحولات سریع آن

* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس a.kahe@yahoo.com

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۸/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲

تأییدی است بر این گفته که «رمان قادر است نبض عصر و نبض تغییر را در خود جای دهد» (جاسم الموسوی، ۱۹۸۵: ۹). در این میان ادبیات عربی نیز طی سالهای قرن بیستم دستخوش تحولات مهمی شده که شاید یکی از اصلی ترین آنها اقبال نویسندگان به نوع ادبی داستان و خلق آثار متعدد در این زمینه است. این امر موجب اقبال و اهتمام منتقدان جهت نقد و تحلیل محتوا و عناصر تشکیل دهنده این نوع ادبی از زوایای مختلف شده است. هدف این مقاله، ارائه تحلیلی انتقادی از کتاب «الرواية العربية» به عنوان تألیفی در حوزه نقد و بررسی رمان عربی است و بر آنست تا تحلیل انتقادی جامعی از این اثر در دو سطح ظاهری و محتوایی ارائه نماید. در معرفی ظاهری اثر، ساختار شکلی، نگارشی و ویرایشی و خصایص کمی آن بررسی خواهد شد و در بخش تحلیل محتوایی، جوانب علمی آن مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. پرسش مطرح شده در این پژوهش اینست که: راجر آلن در کتاب خود با عنوان «الرواية العربية» تا چه میزان اصول ساختاری و محتوایی یک اثر علمی مطلوب را لحاظ کرده است؟

۲. تحلیل ساختار ظاهری کتاب

۲-۱. معرفی شکلی اثر

کتاب «الرواية العربية» اثر راجر آلن توسط حصّة ابراهیم المنیف ترجمه و در سال ۱۹۹۷ - بدون ذکر نوبت چاپ - از سوی انتشارات «المجلس الأعلى للثقافة» در قاهره به چاپ رسیده است. طبق گفتاری که در صفحه اول کتاب آمده، عنوان شده که کتاب برای اولین بار در سال ۱۹۸۲ در آمریکا چاپ شده است و در سال ۱۹۹۵ به چاپ مجدد رسیده است و ترجمه آن با هماهنگی راجر آلن صورت گرفته است. این کتاب با پنج فصل، ۳۳۸ صفحه دارد. صفحه عنوان اصلی کتاب به رنگ سبز مایل به خاکستری کم رنگ است و در بالای صفحه با رنگ قهوه ای پُر رنگ، نام نویسنده و در پایین آن، عنوان کتاب با رنگ قرمز تیره، با فونتی بزرگ تر وجود دارد. در قسمت وسط صفحه، تصویری از یک پنجره نرده دار بسته که خودش و بخشی از دیوارهای چهار طرفش به رنگ آبی پر رنگ درآمده به چشم می خورد. پایین صفحه نام مترجم وجود دارد و در گوشه راست بالای کتاب آرم انتشارات در کادر مربع آبی رنگ قرار گرفته که پایین آن عبارت «المشروع القومي للترجمة» به شکل عمودی نوشته شده است. دو صفحه قبل از مقدمه، بار دیگر اطلاعات کتاب که شامل نام کتاب، نام نویسنده، مترجم، ناشر و سال چاپ تکرار شده و در زیر عنوان اصلی عبارت «مقدمة تاريخية ونقدية» با فونتی کوچکتر افزوده شده است.

جلد پشت کتاب حاوی عنوان کتاب و نام نویسنده به انگلیسی در بالای صفحه و آرم انتشارات در سمت چپ است و در پنج پاراگراف به ویژگی رمان، موضوع کتاب، دشواری انتخاب رمان های خاص از بین تعداد زیاد رمان های عرضه شده، هدف کتاب و مشارکت آن در گفتگوهای نقدی، می پردازد. مطالب کتاب به ترتیب: «عنوان»، «معرفی نویسنده»، «مقدمه»، «پیش گفتار چاپ اول» بقلم جی. ای. بوزوورث، «مقدمه چاپ اول»، مطالب اصلی کتاب در پنج فصل و «فهرست محتویات» می باشد.

گفته می شود که عنوان از اجزای محوری برای فهم کتاب است و مهمترین وظیفه آن، تطابقت با محتوا است و در نگاه نشانه شناسی «بمنابه سؤالی چالش برانگیز است، در حالیکه متن بمنابه پاسخی به این سؤال می باشد. عنوان (خواننده را) به خاستگاه فکری متن ارجاع می دهد و خلاصه ی پژوهش ادبی را در خود جمع کرده است» (حمداوی، ۱۹۹۷: ۱۰۸) در همین راستا خواننده در نگاه اول در می یابد که راجر آلن برای کتاب خود عنوان کلی «الروایة العربیة» (رمان عربی) را انتخاب کرده، ولی هنگام تکرار اطلاعات کتاب قبل از مقدمه، با افزودن عبارت «مقدمة تاریخیة و نقدیة» سعی نموده رویکرد خود در پرداختن به این موضوع را محدود نماید و در مقدمه هدف اصلی کتاب را معرفی زمینه های تاریخی و ادبی پیدایش رمان عربی بیان می کند (ص ۹). وی همچنین در مقدمه چاپ اول یادآور می شود که این کتاب حاصل سه سخنرانی اش در ماه می (اردیبهشت) ۱۹۸۰ میلادی در دانشگاه منچستر است که بعدها نیز ادامه پیدا کرده و دانشگاه کویت هزینه ی برگزاری و نیز چاپ آن را تقبل کرده است (ص ۱۳). غیر از فصل ها، کتاب شامل یک مقدمه ۴ صفحه ای، پیش گفتار چاپ اول در حدود ۲ صفحه و مقدمه چاپ اول با ۴ صفحه است.

فصل های پنجگانه: فصل اول ذیل عنوان «الروایة: متغیرات تعریف الروایة» در ۱۳ صفحه (۱۷-۲۹) بدنبال ارائه ی تعریفی کلی از رمان و موقعیت این نوع ادبی در ادبیات عربی است.

فصل دوم ذیل عنوان «التطورات المبكرة لتقاليد الرواية العربية» (الگوهای آغازین رمان عربی) در ۵۲ صفحه (۳۱-۸۳) که شامل ۹ عنوان فرعی است ابتدا به روند شکل گیری و تحولات داستان در کشورهای: سوریه، لبنان، عراق، کشورهای حاشیه خلیج فارس، مغرب عربی و مصر می پردازد و عناوین بعدی آن به این ترتیب است: جورجی زیدان والروایة التاريخية - محمد المویلحی و نقد المجتمع - زینب لمحمد حسین هیکل - التطورات فی مصر بعد زینب - تنویعات علی الموضوع: شرقاً و غرباً.

فصل سوم تحت عنوان «فترة النضج» (مرحله پختگی) در ۱۰۸ صفحه (۸۵-۱۹۳) به ترتیب به این مطالب اشاره می‌کند: پیشینه‌های سیاسی و اجتماعی - دهه‌های واقع‌گرای - موضوعات اصلی در رمان جدید عربی - درگیری و رویارویی - انقلاب و استقلال - جنگ داخلی در لبنان - تغییر روابط بین غرب و منطقه خاورمیانه - تحولات اجتماعی پس از دستیابی به استقلال (تأثیر نفت - ارتباط میان شهر و روستا - نقش خانواده و وضعیت زن - فرد و آزادی) - نجیب محفوظ: داستان پردازی مصری و برنده جایزه نوبل - تحولات در افق داستانی - نویسنده، خواننده و متن.

فصل چهارم با عنوان «اثنتا عشرة رواية عربية» (دوازده رمان عربی) در ۱۳۱ صفحه (۱۹۵-۳۲۶) شامل بررسی ۱۲ رمان از نویسندگان مختلف است که از نظر نویسنده جزو رمان‌های برجسته عربی پس از نیمه‌ی دوم قرن بیستم اند. این رمان‌ها عبارتند از: پُر حرفی بر روی رود نیل (نجیب محفوظ) - آنچه برایتان باقی مانده (غسان کفانی) - بازگشت پرنده به دریا (حلیم برکات) - فصل هجرت به شمال (الطیب صالح) - روزهای هفتگانه انسان (عبدالحکیم قاسم) - کشتی (جبرا ابراهیم جبرا) - چهارگانه (آسمان آبی بود، مردابهای روشن، طناب، دیگر کرانه‌ها) (اسماعیل فهد اسماعیل) - الزینی برکات (جمال الغیطانی) - وقایع شگفت‌انگیز در ناپدید شدن سعید أبو النحس المتشائل (امیل حبیبی) - پایانها (عبدالرحمن منیف) - داستان زهرة (حنان الشیخ) - خونریزی سنگ (ابراهیم الکونی). فصل پنجم، ذیل عنوان «الخاتمة» در ۹ صفحه (۳۲۷-۳۳۵) نتیجه‌گیری انجام می‌گیرد و مطالب با فهرست موضوعات کتاب و بدون کتابنامه به پایان می‌رسد.

۲-۲. تحلیل ابعاد کمی، نگارشی و ویرایشی اثر

هر اثر ساختاری دارد که همه اجزای آن در پیوند با یکدیگر کلیت آن را می‌سازند (رضایی و محمودی، ۱۳۸۹: ۴۷). کتاب «الرواية العربية» نیز دارای ساختار ویژه خود است و نکته مهم در تعریف این کتاب اینست که علاوه بر عنوان اصلی در بر دارنده عنوان فرعی «مقدمة تاريخية ونقدية» است و این رویکرد تقریباً در تمام فصل‌ها بجز فصل چهارم که فقط نقدی است حاکم است. بین حجم فصول و تعداد صفحات هماهنگی وجود دارد و صفحات هر فصل رفته رفته افزایش پیدا می‌کند که با مقدار تحلیل و بررسی‌ها مطابقت دارد.

نوع و اندازه قلم در متن مناسب است و اندازه قلم در پاورقی‌ها، کوچک‌تر از اندازه متن اصلی انتخاب شده است. لازم بذکر است که تعداد سطرهای برخی صفحات نسبتاً زیاد

است، مخصوصاً اینکه مطالب برخی صفحات بدون پاراگراف بندی، یکسره بدنبال هم می آیند؛ سطرهای صفحاتی که پاورقی ندارند بین ۲۴ و ۲۸ سطر در نوسان است و صفحات همراه پاورقی ۲۰ الی ۲۴ سطر در خود جای داده است.

ترجمه اثر مذکور از حیث زبانی روان و قابل فهم است البته گاه در مواردی سبک عبارات به سبک محاوره ای نزدیک شده است. برای مثال پس از آنکه فعل در ابتدای جمله می آید به دلیل جملات معترضه که بین فعل و فاعل و یا فعل و مفعول فاصله ایجاد می کند فعل دوباره تکرار می گردد مانند: «تَبْنِي نقاد الرواية العربية القلائل الذين اختاروا تجاوز الحدود القطرية في تقييم النتائج الروائي العربي، تبنوا عدداً من التصنيفات المنظمة لأساليب كتابة الرواية. فيستخدم شكري عياد مثلاً، وهو كاتب قصصي وناقد في نفس الوقت، يستخدم التصنيفات التالية...» (صص ۱۰۵ و ۱۰۶. رجوع شود به صفحات: ۲۱-۲۲-۷۹-۸۰-۸۱-۹۱-۱۸۵).

در مورد صفحه آرایی باید گفت از آنجا که اصل کتاب در دسترس نبوده، لذا فایل الکترونیکی آن مورد تحلیل این مقاله قرار گرفته است و این فایل از کیفیت مطلوبی برخوردار نیست؛ به علت بُرش نامناسب، لبه سطرهای تعدادی از صفحات ناخوانا است و گاهی به علت کیفیت پایین چاپ، برخی صفحات به همراه پاورقی ها یا به خوبی و یا اصلاً قابل مطالعه نیست (صص ۹۷-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۴-۱۱۲-۱۱۳-۱۲۱-۱۲۸-۳۰۹-۳۱۱).

اشتباهات چاپی در سراسر متن و گاهی در پاورقی ها دیده می شود که می توان برای نمونه به مواردی اشاره کرد: سطر ششم بخش مقدمه (يمثل العالم العربي) که منظور «يمثل» است (ص ۷). در بخش مقدمه چاپ اول عبارت «الزواتين» به جای «الزواتين» چاپ شده است (ص ۱۴). «على الكتاب يكتبه كانت عراقي» (ص ۴۹) و منظور «کاتب عراقی» است. «إلا أن الضفوط التي أخذت تنمائي في خمسينات...» (تنامی) (ص ۱۲۹). «يحمل في ثناياه غموضاً إبداعياً» (غموضاً) (ص ۲۹۹). این امر در پاورقی ها هم مشهود است مانند: «محسن فاسم الموسوي» به جای «جاسم» (ص ۲۸). «بريوت» به جای «بيروت» (ص ۵۰). «محمد حسين بهكل» به جای «هیکل» (ص ۶۱). گاه این اشتباهات بارها تکرار می شوند برای مثال بارها در متن و پاورقی از «سلمى الخضراء الجيوشى» با «الجيوشى» نام برده می شود (صص ۳۹-۱۱۳-۱۷۸-۱۸۸ و پاورقی صفحات ۱۱۵-۱۴۵-۱۷۸). البته اینگونه اشتباهات چاپی ممکن است باعث گمراهی خواننده شود که امری ناپسندیده است، مانند نام رمان «حدثنا أبو هريرة قال» (۱۹۷۹) اثر محمود المسعدی

نویسنده تونسسی که به اشتباه «حدثنا أبو حورية قال» (ص ۸۰) نوشته شده است. همچنين نامهای دو رمان «اللاز» (۱۹۷۶) و «العشق والموت فى الزمن الحراشى» (۱۹۷۸) اثر الطاهر وطار نویسنده الجزائری و نیز رمان «قشتمر» (۱۹۸۸) اثر نجیب محفوظ که به اشتباه از آنها با عناوین: «اللز» و «العشق والموت فى الزمن الهراشى» (صص ۱۲۱ و ۱۲۲) و «مشطومر» نامبرده شده است (ص ۱۶۹).

اصول نگارشی در حد مطلوب رعایت شده است ولی گاهی اشتباهاتی در خصوص استفاده از گیومه دیده می شود. برای مثال گاه نقل قول بدون گیومه شروع می شود: (فهم یقولون لنا مثلاً: إن الرواية...وهكذا...) (ص ۱۷). و گاهی برعکس فراموش می شود که در پایان نقل قول آورده شود مانند: «الرواية هی الطريقة التى یخاطب بها المجتمع نفسه هذا ما یقوله فیلیپ سولرز philip sollers. (ص ۸۵). همچنین رجوع شود به صفحه ۹۱ چهار سطر ما قبل آخر صفحه).

به لحاظ رعایت قواعد صرفی، می توان اشتباهاتی یافت که مربوط به عدم مطابقت فعل و فاعل و یا صفت و موصوف و نیز اسم اشاره و مشاراًً إليه در تذکیر و تأنیث است مانند: «الروایات التى تتناولها هذا الكتاب...» (ص ۱۱). «تعتبر ظهور رواية...» (ص ۱۵۱). «مقدمة الطبعة الأول» (ص ۱۳). «هذا إلى جانب قدرة القصة القصيرة الفريدة على التعامل مع...» (ص ۶۵). «معالجة هذا الحقائق...» (ص ۱۰۲). «فإن الحياة مع مثل هذا الإنسانة...» (ص ۳۰۶). رجوع شود به صفحات: ۱۸-۶۴-۶۶-۱۲۰-۱۴۴-۲۵۶).

شماره های پاورقی ها در هر فصل به صورت پیوسته از صفر تا صد پیگیری شده است و نویسنده در ارجاعات پاورقی از شیوه نام مؤلف و سپس عنوان کتاب استفاده کرده است ولی شیوه ارجاع گاهی رعایت نمی شود و ارجاع به صورت عنوان کتاب و سپس مؤلف می آید مانند صفحات: ۶۰، ۶۳، ۱۹۹، ۲۱۳، ۲۲۰، ۲۸۴... البته در موارد نادری اضطراب در ارجاع دهی وجود دارد برای نمونه در صفحه ۳۷ خواننده به کتاب «أصول القصة العربية المعاصرة» اثر متی یونس ارجاع داده می شود ولی در صفحات ۴۴ و ۵۰ به دو کتاب دیگر از همین نویسنده به نامهای: «أصول الفن القصصى العرب المعاصر» و «أصول القصة العربية الحديثة» ارجاع داده می شود که بدلیل شباهت عناوین به نظر می رسد نوعی تشویش صورت گرفته و از آنجا که کتاب فاقد کتابنامه است- که خود از معایب کتاب است- تردید در این خصوص بیشتر می شود. نکته دیگر اینست که نویسنده در متن به تاریخ صدور و ترجمه اغلب رمان ها اشاره می کند ولی گاهی این اشارات که در دو جا می آید با یکدیگر همخوانی ندارد، برای مثال در جایی می خوانیم که رمان «السفينة» اثر جبرا

ابراهیم جبرا (۱۹۶۵)، ترجمت إلى الإنجليزية عام ۱۹۸۵ (ص ۱۱۰) و در جایی دیگر آمده: «السفينة» (۱۹۷۰)، ترجمت إلى الإنجليزية عام ۱۹۸۲ (ص ۱۲۴). این ناهماهنگی در مورد رمان «شرق المتوسط» اثر عبد الرحمن منیف و رمان «النهايات» یکی دیگر از رمان های این نویسنده نیز رخ داده است (رجوع شود به صص: ۹۳ و ۱۳۴، ۱۷۵ و ۲۹۱).

۳. تحلیل ابعاد محتوایی کتاب

۳-۱. تحلیل ویژگی های محتوایی اثر

طی دهه های گذشته نقد رمان عربی متأثر از مکاتب و جریان های ادبی مختلف رویکرد های متفاوتی را دنبال کرده است. در پژوهشهای صورت گرفته در این زمینه برخی منتقدان همچون نویسنده کتاب «تطور الرواية العربية الحديثة فی مصر (۱۸۷۰-۱۹۳۸)» معتقدند که نویسندگان رمان عربی، موضوع و سبک خود را تحت تأثیر شرایط زمان خود انتخاب می کنند و از همین منظر جمع بین دو روش تاریخی و نقدی را روش مناسبی برای بررسی متون داستانی می دانند (رجوع شود به مقدمه: طه بدر، ۱۹۷۶: ۱۶) مشابه چنین روشی را می توان در نوع تحلیل های برخی ناقدان دیگر این حوزه مثل یحیی حقی، محمد یوسف نجم، علی الراعی، محمد امین العالم نیز یافت. این در حالی است که بعضی ناقدان معاصر عرب مثل سیزا قاسم، سعید یقطین، یمنی العید، عبدالملک مُرتاض و محمد عزام، رویکرد اصلی خود در حوزه نقد رمان را بر روی روایت شناسی و تحلیل عناصر داستان (راوی، زمان، مکان، شخصیت، پیرنگ، زبان) متمرکز می کنند (خلیل، ۲۰۱۰: صص ۹ و ۱۰).

با مطالعه ی مقدمه کتاب «الرواية العربية» خواننده در می یابد که راجر آلن هدف اصلی کتابش را سوق دادن علاقمندان داستان های عربی به سمت مطالعه ی پیشینه های ادبی و تاریخی و نیز آشنا نمودن آنها با موضوعات و سبک های این داستان ها قرار داده است، چرا که این روش به اعتقاد وی گامی است در جهت تشویق علاقمندان به مطالعه این آثار (ص ۹) و از آنجا که برخی محققان معتقدند که «تبيين متن های ادبی در گستره ای زمانی به دیدی تاریخمند نیاز دارد» (میر عابدینی، ۱۳۷۷: ۸) راجر آلن نیز که موضوعات مطرح شده در رمان عربی را انعکاسی از واقعیت های دوران خود می داند مبنای کار خود را بر اساس بررسی زمینه های سیاسی - اجتماعی سپس استخراج موضوعات اصلی داستان های عربی به همراه بررسی عناصر داستانی برجسته موجود در آنها قرار داده است.

فصل اول نویسنده به ارائه نظرات برخی ناقدان غربی مبنی بر دشوار بودن تعریفی جامع برای رمان می پردازد و نتیجه گیری می کند که این نوع ادبی از یک سو منعکس کننده ی

تغییرات جامعه است و از سوی دیگر خود نیز در معرض تغییر و تحول قرار دارد. وی معتقد است که در خصوص کاربرد اصطلاحات رمان، قصه و داستان بلند در زبان عربی نوعی اضطراب وجود دارد که تعریف برخی آثار داستانی را با مشکل مواجه ساخته است سپس یادآور می‌شود که با در نظر گرفتن ویژگیهای رمان، داستان معاصر عربی وام‌دار قصه‌های قدیمی ادبیات عربی نیست بلکه متأثر از ادبیات غرب شکل گرفته و در سالهای اخیر به جایگاه خوبی رسیده است.

فصل دوم، با سخنی در خصوص اینکه زمینه پیدایش رمان معاصر عربی به دوره موسوم به عصر نهضت و ابتدای قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد آغاز می‌شود. نویسنده معتقد است که ظهور و تقابل دو پدیده اصلی که از آنها با عناوین مختلف قدیم و جدید، سنتی و معاصر، کلاسیک‌ها و نوگرایان نامبرده می‌شود، نقش مهمی در تحولات فرهنگی این دوره داشته‌اند. وی با اشاره به وجود میراث‌های داستانی قدیم مانند «هزار و یک شب» و «مقامات»، متذکر می‌شود که حکایت‌های «هزار و یک شب» تأثیر زیادی بر ادبیات غرب داشته است و سبک مقامات نیز مورد توجه نویسندگان عصر نهضت بوده است. نویسنده سپس رویکردهای فرهنگی در کشورهای سوریه، لبنان، عراق، کشورهای حاشیه خلیج فارس، کشورهای شمال آفریقا و مصر را مورد توجه قرار می‌دهد و با اشاره به نقش ترجمه و روزنامه‌ها در رونق داستان، با اشاره گذرایی به تلاش‌های اولیه نویسندگانی امثال: ناصیف الیازجی، احمد فارس الشدیاق، سلیم البستانی، رفاعه الطهطاوی و مصطفی لطفی المنفلوطی، نتیجه‌گیری می‌کند که عوامل تاریخی - جغرافیایی - سیاسی باعث تفاوت سیر تحولات داستان در کشورهای مختلف عربی شده است. از اینجا به بعد رویکرد تاریخی-نقدی دنبال می‌گردد و مؤلف در سه بخش جداگانه به بررسی جرجی زیدان و داستانهای تاریخی او و نیز محمد المویلحی و اثر معروفش «حدیث عیسی بن هشام» و سپس محمد حسین هیکل صاحب رمان «زینب» (اولین رمان عربی به معنای واقعی به اعتقاد وی) می‌پردازد. ادامه مباحث این فصل مربوط است به ذکر داستانهای متعددی که تا سال ۱۹۳۹ در مصر و دیگر کشورها منتشر شده‌اند.

فصل سوم که حجم قابل توجهی دارد، ابتدا به بررسی اوضاع سیاسی - اقتصادی کشورهای عربی پس از جنگ جهانی دوم و مسائل گوناگون آن زمان پرداخته می‌شود، مسائلی همچون: ۱- اکتشاف نفت در شبه جزیره عربستان. ۲- تلاش کشورهای عربی برای دستیابی به استقلال و نقش انگلستان در اشغال سرزمین فلسطین. ۳- شکل‌گیری پیمان‌های بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس اتحادیه عرب و موفقیت برخی

کشورهای عربی در دستیابی به استقلال. ۴- برجسته شدن نقش نویسندگان عرب در به تصویر کشیدن شرایط پیش آمده ی جدید. ۵- شکست نظامی کشورهای عربی از اسرائیل در سال ۱۹۶۷ و پیامدهای آن. ۶- امضای پیمان کمپ دیوید. ۷- جنگ داخلی در لبنان. ۸- تجاوز عراق به خاک ایران و کویت. ۹- مطرح شدن ضرورت الهام گیری از ادبیات گذشته و بازنگری در مقولات فکری و ادبی. نویسنده با ذکر این نکته که رمان مانند آینه منعکس کننده اوضاع جامعه است و آن را مورد نقد و تحلیل قرار می دهد می کوشد از همین منظر سه موضوع اصلی مطرح شده در رمانهای عربی در فاصله بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ را مورد بررسی کلی قرار دهد: ۱- موضوع فلسطین و چگونگی انعکاس آن در آثار نویسندگانی همچون: غسان کنفانی، جبرا ابراهیم جبرا، امیل حبیبی، سحر خلیفه، لیانه بدر و دیگران. ۲- انقلاب و استقلال. ۳- جنگ داخلی لبنان. نگرش حاکم بر این فصل تاریخی- نقدی است و مؤلف در ادامه بررسی خود سعی دارد تحولات اجتماعی بوجود آمده پس از استقلال کشورهای عربی را از میان داستان های عربی استخراج و با بررسی مضامین برخی از آنها تصویری از این تحولات به خواننده ارائه نماید. وی عمده ترین این تحولات در سه زمینه معرفی می کند: ۱- ارتباط بین شهر و روستا. ۲- خانواده و وضعیت زن در جامعه. ۳- آزادی های فردی. کتاب در ادامه با اختصاص بخشی جداگانه، نجیب محفوظ را مورد بررسی قرار می دهد و از بروز تحولات در سبک داستان پردازی نویسندگانی مانند: یوسف القعید، جمال الغیطانی، الیاس خوری، ولید اخلاصی و ابراهیم نصرالله، نیز سخن می گوید. بخش پایانی این فصل اختصاص دارد به وضعیت نویسندگان و خوانندگان در کشورهای عربی و نیز متن داستانی و مباحث مرتبط با کاربرد زبان عامیانه و فصیح در آن و اوضاع نشر کتاب.

فصل چهارم شامل بررسی دوازده رمان از نویسندگان مختلف است که از نظر نویسنده شباهت و تفاوتی با یکدیگر دارند. به نظر وی شباهت آنها در اینست که همگی منعکس کننده مشکلات جوامع خود و ابراز نارضایتی نویسندگان از کاستی های موجود زمان خود می باشند. اختلاف این رمان ها در سبک هر کدام است که در نوع روایت، زمان وقوع حوادث و مکان و غیره نمود پیدا کرده است. نگرش حاکم بر این فصل نقدی است و راجر آلن این نکته را نیز یادآور می شود که تحلیل رمان های انتخاب شده در جهت تبیین رویکردهای آنهاست و نه ارائه لیستی از رمان های منحصر به فرد و نمونه، لذا ممکن است برخی منتقدان آثار دیگری را در اولویت قرار دهند و یا تحلیل های متفاوتی از این آثار ارائه نمایند.

فصل پنجم، مؤلف نتیجه گیری می کند که رمان با هر گونه سبکی، پیوسته اوضاع پیرامون را منعکس می کند. تغییرات سریع و گوناگون دنیای کنونی بر درک نویسندگان تأثیر گذار است و نویسندگان عرب با دریافت های مختلف از پیرامون خود همچنان داستانهای خلق می کنند که پیچیدگی های جهان پیرامون خود را مورد کاوش قرار می دهد. انتشار رمان های عربی و اقبال خوانندگان و ظهور داستان پردازان زن روبه فزونی است و منتقدان با آثاری مواجه اند که در محتوا و سبک متفاوت تر از قبل می باشند.

۳-۲. اخلاق پژوهشی

اخلاق پژوهشی در تدوین اثر علمی به معنای آن است که نویسنده با در نظر گرفتن مجموعه ای از قراردادهای اخلاقی که شامل دوری از تعصبات و سلیقه شخصی و نیز امانت داری علمی در استفاده از دیگر مراجع است حاصل پژوهش های خود را به رشته تحریر درآورد (اسلامی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). از این رو بدیهی است هنگامیکه نویسنده ای بی طرفی علمی و امانتداری را در پژوهش خود حفظ کند می توان گفت اخلاق پژوهشی را رعایت کرده است.

نویسنده در کتاب خود توانسته دیدگاه شخصی خود از مسائل گسترده ای را مطرح کند و خوانش خود از متون داستانی را در اختیار خواننده قرار دهد. وی آنجا که لازم دیده از نظرات منتقدان عربی و غربی هم بهره برده است لذا اغلب صفحات حاوی ارجاعاتی است که در نقل آنها امانت داری رعایت شده است. این بدان معنا نیست که این اثر فاقد هر نوع نقضی در این خصوص می باشد بلکه گاهی بی دقتی باعث شده که مثلاً کتاب «معنی المأساة فی الرواية العربية: الرواية العربية فی رحلة العذاب» اثر غالی شگری به اشتباه «الرواية العربية فی رحلة أدب» ذکر شود که بعید است اشتباهی چایی باشد (ص ۱۲۶). شتاب زدگی در اقتباس این جمله که داخل گیومه قرار گرفته و نام منتقد و مرجع آن ذکر نگردیده نیز مشهود است: «وقضایا ماوراء الطبيعة التي تزخر بها هذه الأعمال إنما تمتحن القارئ و إلى أقصى درجة ممكنة فی «تعليق ووقف قدرته علی عدم التصديق» كما يقول أحد النقاد» (ص ۷۷). همچنین اقتباس این جمله از «تریلنچ» که بدون ارجاع در پاورقی نقل شده است: «والرواية العربية التي يمكنها أن تُظهر كما يقول تریلنچ «مدى التنوع الإنساني وقيمة هذا التنوع»، تناولت هذه القضايا...» (صص ۱۱۸ و ۱۱۹).

نویسنده در شرح مسائل ادبی سعی کرده علاوه بر ارائه نظرات بی طرفانه، خواننده را به منابع مختلفی ارجاع دهد که یا از آنها استفاده کرده و یا حاوی اطلاعات مفصل تری می

باشند. در نقل مباحث تاریخی، بی طرفی رعایت شده؛ برای مثال نویسنده تلاش کشورهای استعمارگر در قرن گذشته برای تقسیم کشورهای منطقه و سلطه بر آنها و نیز نقش انگلستان و کشورهای غربی در اشغال سرزمین فلسطین و اجبار ساکنان آن به ترک وطن خود را یادآور شده است (صص ۸۷ - ۹۵). نویسنده متأثر از حضور در کشورهای عربی از نام «خلیج فارس» استفاده نکرده که امری غیر قابل قبول است (صص ۳۸ - ۴۰ - ۹۲).

۳-۳. مزایای کتاب

به هنگام بررسی ادبیات معاصر عربی با انبوهی از رمان ها و مجموعه داستان ها مواجه می شویم که تنظیم و طبقه بندی تمامی این آثار در کتابی تاریخی - انتقادی چند پرسش را پیش روی خواننده قرار می دهد؛ اینکه آیا می توان نویسندگان کشورهای مختلف از دوره های متفاوت را یکجا گرد هم آورد و آثار آنها را مورد داوری و نقد قرار داد؟ بیوند منطقی بین این متون با سبک ها و موضوعات پراکنده چیست؟

حنا الفاخوری معتقد است داستان سرایان در مشرق زمین با الهام از واقعیات زندگی آثارشان را خلق می کنند چرا که به نظر آنها زندگی سرچشمه ای غنی برای داستان پردازی است (الفاخوری، ۱۹۸۶: ۲۸). به اعتقاد ناقدان این نکته در مورد فضای بوجود آمده در کشورهای عربی پس از جنگ جهانی دوم قابل صدق است چرا که سبک رئالیسم توانست با کنار زدن رمانتیسیم تا حدی زیادی در ادبیات عربی فراگیر شود و منتقدانی همچون: محمد مندور، لویس عوض، عبدالعظیم انیس، محمود امین العالم در پژوهشهای های ادبی خود با دنبال کردن این رویکرد، نقش شرایط سیاسی و اجتماعی را در شکل گیری سبک و محتوای آثار ادبی غیر قابل انکار می دانستند (رجوع شود به: ابراهیم الهواری، ۲۰۰۳: صص ۲۲۰ - ۲۳۰). همچنین از آنجا که رمان بنا بر اعتقاد برخی محققان «وقایعی را روایت می کند که سعی دارند واقعی تر جلوه کنند و منعکس کننده دیدگاه های انسان و آنچه در جهان رخ می دهد باشند» (مرتاض، ۱۹۹۸: ۱۲) شاهد این هستیم که در این دوران سبک رئالیسم انتقادی سبک رایج داستان پردازی در ادبیات عربی قرار گرفته است (عصفور، ۲۰۰۳: ۷۸) و اغلب نویسندگان سعی کرده اند با خلق شخصیت هایی که نماینده تمایلات اصلی دوران خود بودند، واقعیت ها و مسائل موجود آن دوره را به تصویر بکشند. راجر آلن از همین منظر کوشیده به بررسی آثار نویسندگانی بپردازد که توانسته اند واقعیات بیرونی زمان خویش را به نمایش بگذارند و با در نظر گرفتن این مطلب، آنها را زیر یک مجموعه واحد گردآورده است و رویکرد تاریخی - نقدی را مبنای پژوهش خود قرار داده است که می تواند از چند جهت برای خواننده مفید باشد:

- رویکرد تاریخی حاکم بر کتاب اطلاعات فشرده‌ی گسترده‌ای که شامل مسائل سیاسی - اجتماعی - فرهنگی است در اختیار خواننده قرار می‌دهد.
- مؤلف پس از تبیین مسائل تاریخی با نگاهی شمولی در پی استخراج اصلی‌ترین موضوعات در رمان‌های عربی است لذا خواننده با نویسندگان و رمان‌های متعدد با موضوعاتی متنوع و از نقاط جغرافیایی مختلف آشنا می‌گردد.
- از آنجا که مباحث مطرح شده در کتاب مربوط به کشورهای مسلمان منطقه و آثار نویسندگان این کشورهاست لذا خواننده با چالش‌هایی که مردم و نخبگان این جوامع در قرن گذشته با آنها روبرو بوده‌اند آشنا می‌گردد و نکات قابل توجهی را دریافت می‌کند.

از آنجا که نویسنده با اشراف به موضوع، مسائل را از بیرون دنبال کرده بخش‌هایی از کتابش می‌تواند در کنار سایر کتب به عنوان کتاب کمک آموزشی برای درس متون نثر معاصر جهت ارجاع و بحث مورد استفاده قرار گیرد. کتاب تا حد مطلوبی به منابع انگلیسی موجود در زمینه ادبیات معاصر عربی ارجاع داده که امتیاز محسوب می‌شود.

۳-۴. معایب کتاب

علاوه بر وجود معایبی که پیشتر به برخی از آنها در بخش تحلیل ساختاری اشاره شد موارد زیر نیز قابل ذکر است:

۳-۴-۱. نبود روش واحد در تحلیل متن‌ها

نویسنده در تحلیل رمان‌ها از یک سو رویکردی مشخص و روش مند ندارد و از سوی دیگر هر اثر را در کلیت آن بررسی کرده یعنی نقد محتوا و فرم را درهم آمیخته و تفکیک نکرده است. تحلیل‌ها بیشتر محتوایی است و بدنبال آن بارزترین عناصر (شخصیت، زاویه دید، زبان و...) مورد بررسی بسیار موجز قرار می‌گیرند. خواننده پس از پایان مطالعه در می‌یابد که نوع تحلیل‌ها مخصوصاً تحلیل عناصر با یکدیگر تفاوت دارد لذا مهارت تحلیل روش مند رمان را پیدا نمی‌کند.

۳-۴-۲. عدم هماهنگی برخی عناوین فرعی با محتوا

برای مثال در فصل سوم ذیل عنوان فرعی «عقود الواقعیة» (ص ۱۰۲) نویسنده به سیر داستان‌های رومانتیک و تاریخی می‌پردازد. در همین فصل و ذیل عنوان «تبدل العلاقات بین الغرب ومنطقة الشرق الأوسط» (۱۳۳) از چگونگی به تصویر کشیده شدن غرب در برخی رمان‌های عربی پس از جنگ جهانی دوم به بعد سخن می‌گوید. رمان‌هایی مانند

«الحی اللاتینی» (۱۹۵۳) اثر سهیل ادیس و «موسم الهجرة إلى الشمال» (۱۹۶۶) اثر الطیب صالح، لذا عنوان «صورة الغرب فی الروایة العربیة» برای آن مناسب تر است.

۳-۴-۳. انتخاب گزینشی موضوعات

این امر در پاره ای از بخش ها انسجام فصل را از بین برده است. برای مثال در فصل سوم ذیل عنوان «نجیب محفوظ: روائی مصری وحامل جائزة نوبل» با اختصاص ۱۲ صفحه (۱۵۹-۱۷۱) به معرفی نجیب محفوظ و مراحل نویسندگی او پرداخته شده که در بردارنده مطالب جدیدی نیست. نویسنده در ادامه و ذیل عنوان «الکاتب والقاریء والنص» (۱۷۷-۱۹۳) با اختصاص ۱۷ صفحه با مجزا کردن این سه مقوله به طور جداگانه، به شکل گزارشی به آنها می پردازد که نه تنها تحلیلی نیست بلکه گاه تکرار مسائلی است که قبلا بیان شده اند.

۳-۴-۴. نادیده انگاشتن جریان های جدید

علی رغم شکل گیری جریان های جدید در دهه شصت میلادی به بعد و ورود نویسندگان نوظهور به عرصه داستان نویسی، نقش و جایگاه آنها در تحول رمان عربی نادیده گرفته شده است. اگر چه نویسنده ذیل عنوان «التحول فی المنظور القصصی» (۱۷۱-۱۷۷) سعی کرده به برخی از این داستان پردازان و تحولات پیش آمده در این زمینه بپردازد ولی این بررسی بسیار موجز و فشرده است.

۴. نتیجه گیری

بررسی انتقادی کتاب «الروایة العربیة» نشان می دهد که:

۱. کتاب در بررسی موضوع رمان عربی رویکرد تاریخی و نقدی دارد و با توجه به گستردگی مطالب مطرح در آن؛ خواننده از یک سو اطلاعات زمینه ای خوبی از مسائل تاریخی و جغرافیایی دریافت می کند و از سوی دیگر با داستان پردازان و موضوعات متنوع رمان های آنها آشنا می گردد.

۲. علاوه بر وجود برخی ضعف های ساختاری، تحلیل های ارائه شده منسجم و روش مند نمی باشند لذا مهارت لازم برای تحلیل رمان که یکی از اهداف مهم آموزشی است در اختیار فراگیران قرار نمی گیرد. این کتاب می تواند در کنار کتاب های دیگر جهت ارجاع و بحث مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- ابراهيم الهوارى، احمد (٢٠٠٣)، نقد الرواية فى الادب العربى الحديث فى مصر، بدون نوبت چاپ، بدون محل: عين للدراسات و البحوث الانسانية و الاجتماعية.
- اسلامى، سيد حسين (١٣٩١)، اخلاق و آيين نقد كتاب، تهران: خانه كتاب.
- آلن، راجر (١٩٩٧)، الرواية العربية، ترجمه حصه ابراهيم منيف، قاهره: المجلس الأعلى للثقافة.
- جاسم الموسوى، محسن (١٩٨٥)، عصر الرواية (مقال فى النوع الأدبى)، چاپ اول، بغداد: مطبعة الديوانى.
- حمدواى، جميل (١٩٩٧)، السيميوطيقا والعنونة، عالم الفكر، شماره ٣، كويت، المجلس الوطنى للثقافة والفنون والآداب.
- خليل، ابراهيم (٢٠١٠)، بنية النص الروائى، چاپ اول، بيروت: الدار العربية للعلوم ناشرون.
- رضايى، غلام عباس، محمودى، ابوبكر (١٣٨٩)، بررسى تطور ساختارى دو قصيده جاهلى و اسلامى از حسان بن ثابت با نظر به مكتب ساختارگرابى، پژوهشنامه نقد ادبى، شماره ١.
- طه بدر، عبد المحسن (١٩٧٦)، تطور الرواية العربية الحديثة فى مصر (١٨٧٠-١٩٣٨)، چاپ سوم، قاهره: دار المعارف.
- عصفور، جابر (٢٠٠٣)، صعود الواقعية، مجله العربى، شماره ٥٤٠، كويت.
- الفاخورى، حنا (١٩٨٦)، الجامع فى تاريخ الأدب العربى (الأدب الحديث)، چاپ اول، بيروت: دار الجيل.
- مرتاض، عبدالملك (١٩٩٨)، فى نظرية الرواية بحث فى تقنيات السرد، عالم المعرفة، شماره ٢٤٠، كويت، المجلس الوطنى للثقافة والفنون والآداب.
- ميرعابدینى، حسن (١٣٧٧)، صد سال داستان نویسى ايران (جلد ٣)، چاپ اول، تهران: نشر چشمه.